



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.58113.0

مقاله پژوهشی

بررسی مکانیسم تأثیر سرمایه‌های فرهنگی-اقتصادی زوجین بر میزان استحکام خانواده

جواد افشار کهن (دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، نویسندهٔ مسئول)

j.afsharkohan@yahoo.com

اسماعیل بلالی (دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

balali_e@yahoo.com

اعظم صدری (کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران)

azisadri.370@gmail.com

چکیده

امروزه تلاش برای استحکام خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل در جهان در حال تغییر است. مراد از خانواده مستحکم صرفاً در زیر یک سقف زندگی کردن نیست. ثبات به این مسئله اشاره دارد که آیا ازدواج سالم باقی می‌ماند یا اینکه منحل می‌شود. حال اگر خانواده را یک فضای اجتماعی در نظر بگیریم که موقعیت افراد (در این تحقیق زوجین) در آن برحسب حجم و نوع سرمایه آنان مشخص شود و کارکردهای سرمایه را به‌عنوان یک رابطه اجتماعی که به دارنده خود قدرت و منزلت اعطا می‌کند در نظر بگیریم، پس در این پژوهش برآنیم تا به بررسی این مسئله بپردازیم که مکانیسم تأثیر سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زوجین بر میزان استحکام خانواده چگونه است؟ هدف از پژوهش حاضر بررسی مکانیسم تأثیر سرمایه‌های فرهنگی-اقتصادی زوجین بر میزان استحکام خانواده در شهر سنقر است. مکانیسم‌های در نظر گرفته شده در این پژوهش ساختار قدرت در خانواده و نوع روابط زوجین است که سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی از طریق آن‌ها بر استحکام خانواده تأثیر می‌گذارند. در تدوین چارچوب نظری این پژوهش، ترکیبی از نظریه‌های مربوط به خانوادهٔ مستحکم، نظریه‌های مربوط به مکانیسم ساختار قدرت، نظریه‌های مربوط به

مکانیسم نوع روابط و نظریه سرمایه فرهنگی-اقتصادی بوردیو استفاده شده است. روش مطالعه حاضر کمی و پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه ساخت‌یافته و استاندارد گردآوری شده است. جامعه آماری همه خانوارهای شهر سنقر بودند و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۷۳ نفر محاسبه شده است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر خانواده‌ها در این شهر از لحاظ استحکام خانواده جزو خانواده‌های نسبتاً متوازن و منسجم هستند. از لحاظ مکانیسم ساختار قدرت، بیشتر زوجین دارای میزان مشارکت کم در درون خانواده هستند و از لحاظ نوع رابطه بیشترین درصد زوجین دارای رابطه نیمه‌دموکراتیک‌اند. براساس نتایج تحقیق، سرمایه اقتصادی بر استحکام خانواده تأثیر مستقیم ندارد، ولی سرمایه فرهنگی هم به شکل مستقیم و هم از طریق مکانیسم بر استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: استحکام، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، ساختار قدرت، نوع روابط.

۱. مقدمه

امروزه تلاش برای استحکام خانواده‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل در جهان در حال تغییر است. تعادل و استحکام خانواده مستلزم آن است که اعضای تشکیل‌دهنده آن نقش‌ها، وظایف و کارکردهای خود را که شامل ارضای نیازهای اعضا، روشن‌بودن نقش‌ها و انتظارات، درک روح گروهی حاکم بر خانواده است، به طور صحیح و کامل انجام دهند (اسماعیلی، ۱۳۷۴)؛ پس صرفاً در زیر یک سقف زندگی کردن نشانه استحکام و ثبات خانواده نیست. همسرانی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند، درحالی‌که ارتباط بین آن‌ها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است و از هرگونه حمایت احساسی هم محروم هستند، نماد یک خانواده توخالی هستند. بدون شک، کانون خانواده‌ای که در آن میان زن و شوهر انس و الفت نباشد، کانونی است همچون جهنم سوزان که نخستین آثار سوء خود را بر سلامت روانی و جسمانی اعضا باقی می‌گذارد (به‌پژوه، ۱۳۸۹).

در بین تمامی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. تمامی آنان که در باب سازمان جامعه اندیشیده‌اند، همه مصلحان، حتی رؤیایگرایان و آنان که به ناکجاآباد روی کردند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. به‌درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند؛ اگر از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. باز بی‌هیچ شبهه، هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص. ۱۱). در یک کلام، می‌توان خانواده سالم را بهترین بستر رشد سرمایه‌های فرهنگی-اجتماعی و سلامت جسم و روان و مهم‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها و پرورش عاطفی و مهم‌ترین عامل کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقای امنیت هر جامعه دانست و زوجین به‌عنوان عنصری پرورش‌دهنده و فرهنگ‌ساز، مهم‌ترین عامل در تحقق این آثار شگرف هستند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص. ۳۶)؛ بنابراین نظر به اینکه زن و شوهر معمار نظام خانواده هستند، چگونگی ارتباط آن‌ها تأثیر بسزایی بر سلامت فردی، رضایت آنان از زندگی و شیوه برخورد آن‌ها با فرزندانشان دارد (اشنیویند، ۱۳۸۲).

ازدواج، یک نهاد چالش‌برانگیز است. به‌رغم اینکه بیشتر ازدواج‌ها شروع خوبی دارند، اما درنهایت زوج‌ها از رابطه خود راضی نیستند. به نظر می‌رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج به خود زوج بستگی دارد. به اعتقاد گلاسر^۱، زوج‌ها زندگی مشترکشان را با عشق شروع می‌کنند، ولی مشاهده می‌کنند که صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می‌بازد. با گذشت زمان زندگی برخی از زوجین به جدایی کشیده می‌شود، اما اکثریت به زندگی مشترکشان با آهنگی یکنواخت و ملال‌آور ادامه می‌دهند و برای تحمل این زندگی به مشروبات الکلی، پرخوری، استفاده از مواد مخدر یا ارتباطات نامشروع روی می‌آورند (گلاسر، ۲۰۰۴).

گراف نیست که گفته شود امروزه خانواده‌های بسیاری دچار تنش‌ها و مشکلات درونی هستند. این تنش‌ها و مشکلات درون خانواده گاهی به طلاق منجر می‌شود و گاهی نیز به‌خاطر

مصلحت‌هایی یک خانواده با بحران به حیات خویش ادامه می‌دهد. خانواده چه زمانی که با طلاق متلاشی می‌شود و چه زمانی که دچار انواع بحران‌ها و اختلافات است، برای اعضای آن خانواده و جامعه هزینه‌های فراوانی را ایجاد می‌کند. هزینه‌هایی اعم از مشکلات روانی و اخلاقی تا آسیب‌های اجتماعی و هزینه‌های اقتصادی. در واقع، برخی از ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل^۱ و کید^۲، ۱۳۸۸، ص. ۲۶۰).

پس استحکام در خانواده، نگه داشتن بنایی با سستی و ناپایداری، آن هم به هر قیمت ممکن نیست. قرارگرفتن اعضای خانواده زیر یک سقف به قیمت ظلم و تعرض به یکی از آن‌ها یا نادیده‌انگاشتن حقوق آن‌ها یا توصیه و سفارش به گذشت و چشم‌پوشی بی‌مورد از خطاهای دیگری و پذیرش ظلم و بی‌عدالتی به‌منظور جلوگیری از طلاق و جدایی، هرگز به معنای ثبات و استواری کانون خانواده نیست؛ زیرا به‌یقین، سرپابودن خانواده با تحکم و ظلم انسانی و تحمل و بردباری دیگری از سر ناچاری و ترس از فروپاشی خانواده، استحکامی در پی نخواهد داشت و اگر در ظاهر پایدار باقی بماند، از درون پوسیده و بی‌ثبات است و بی‌شک نمی‌تواند ویژگی‌های خانواده سالم و بانشاط را داشته باشد (نوری، ۱۳۸۹).

سالم‌سازی فضای خانواده و برقراری رابطه انسانی با همسر و اعضای خانواده، مهم‌ترین عامل حفظ سلامت و شادابی آن است. هرکس نیاز دارد با دیگران رابطه برقرار کند، بتواند صادقانه رفتار کند و رفتاری صادقانه از طرف مقابل خود مشاهده کند. ولی قبل از هرگونه عملی به علم و آگاهی نیاز دارد. اگر انسان می‌خواهد زندگی بانشاط و باطراوتی داشته باشد، باید بداند برای رسیدن به چنین هدفی چه چیزهایی مورد نیاز است و باید با چه سلاحی پیش برود (به‌پژوه، ۱۳۸۹).

1. Steel

2. Kidd

بنابراین امروزه برای واکاوی و تبیین مشکلات و مسائل خانواده ناچاریم این علل و عوامل را براساس فرهنگ و ارزش‌ها و سبک زندگی جدید بنگریم. خانواده، امروزه به‌شدت از دنیای جدید متأثر است. اقتصاد، تکنولوژی و فرهنگ مدرن با خود ارزش‌ها و سبک زندگی بسیار متفاوت از فرهنگ و سبک زندگی سنتی به همراه آورده‌اند؛ به‌طوری‌که دیگر هرگز نمی‌توان با سبک زندگی و هنجارهای سنتی، خانواده امروزی را سامان داد و به نظم و ثبات رساند.

محدوده جغرافیایی این پژوهش، شهرستان سنقر و کلیایی یکی از شهرستان‌های استان کرمانشاه در غرب ایران است. شهر سنقر با جمعیت ۴۶۱۸۱ نفر و تعداد خانوار ۱۳۲۲۸^۱ خانوار، به تبع تغییراتی که خانواده در سطح جهان و ایران در سال‌های اخیر داشته است، این شهر نیز به نسبت وسعت و جمعیتش بسیار تغییرپذیر بوده است. براساس آمار و شواهد موجود، آمار طلاق در این شهرستان در سال ۱۳۹۳، ۲۶۳ مورد به ثبت رسیده است که علت اول آن اعتیاد و علت دوم آن خیانت بوده است. در سال ۱۳۹۴، این آمار ۲۵۶^۲ مورد بوده است که علت اول آن خیانت و علت دوم آن اعتیاد ثبت شده است. نکته حائز اهمیت در این آمار، تغییر علت طلاق در شهرستان است. به گفته کارشناسان خانواده، تا چند سال اخیر علت درخواست طلاق یکی از علل اعتیاد، بیکاری، فقر و بیماری بوده است؛ درحالی‌که در سال ۱۳۹۳ خیانت رتبه دوم علل طلاق و در سال ۱۳۹۴ رتبه اول علل طلاق را به خود اختصاص داده است.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی که باعث فروپاشی استحکام نهاد خانواده می‌شود، طلاق است، اما در جامعه ایران با تکیه بر میزان طلاق قانونی نمی‌توان استحکام و ثبات خانواده را سنجید. در ایران اگر با آمارهای طلاق قانونی مواجه می‌شویم، در کنار آن آماری بزرگ‌تر اما کشف نشده به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. شاید دو برابر آمار طلاق‌های قانونی را

۱. سایت استانداری کرمانشاه

۲. دادگستری سنقر

بتوانیم به طلاق‌های عاطفی اختصاص دهیم؛ یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند، ولی هیچگاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶، ص. ۶۴).

حال اگر خانواده را یک فضای اجتماعی در نظر بگیریم که موقعیت افراد (در این تحقیق زوجین) در آن برحسب حجم و نوع سرمایه آنان مشخص شود و کارکردهای سرمایه را به‌عنوان یک رابطه اجتماعی که به دارنده خود قدرت و منزلت اعطا می‌کند در نظر بگیریم، مقاله حاضر می‌کوشد تا به بررسی این مسئله بپردازد که «مکانیسم تأثیر سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زوجین بر میزان استحکام خانوادگی چگونه است؟»

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

رضایی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی و فرهنگی زنان بر نوع روابط آن‌ها با همسرانشان در خانواده» نشان داد که میانگین نوع روابط همسران ۲/۱۵ در بازده ۱-۳ است. همچنین ۳۹/۹ درصد از افراد نمونه نوع روابط بین همسران در خانواده دموکراتیک، در ۳۵/۲ درصد روابط نیمه‌دموکراتیک و در ۲۴/۹ درصد روابط به صورت غیردموکراتیک است. سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با نوع روابط همسران در خانواده داشته است. همچنین متغیرهای سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی به‌عنوان عوامل مؤثر بر نوع روابط همسران، در کنار هم در مدل رگرسیون ۶۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند.

احمدی، دوازده‌امامی، شهیاد و اخوان راد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی» به مقایسه وضعیت استحکام در این دو گروه از خانواده‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که رضایت زناشویی در خانواده‌های نظامی به‌طور معناداری بیشتر از خانواده‌های غیرنظامی و تعارض زناشویی و خطر طلاق در خانواده‌های

نظامی کمتر از خانواده‌های غیرنظامی بود. به‌رغم اینکه خانواده‌های نظامی به‌خاطر نوع شغلشان استرس‌های بیشتری قرار دارند، وضعیت استحکام خانواده در این گروه بهتر از خانواده‌های غیرنظامی است. این امر نشان‌دهنده نتیجه تلاش فردی و سازمانی در خانواده‌های نظامی برای استحکام بخشی خانواده‌ها است.

گیلپاتریک^۱ (۲۰۰۸) نوع تعاملات زوجین در محیط زندگی را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که نوع تعاملات زوجین در محیط زندگی رابطه مستقیم با احساس بدبختی یا خوشبختی آن‌ها دارد. به‌طور معمول، زوجینی که روابط عاطفی عمیق، منطقی، دوستانه و صمیمی را تجربه می‌کنند، افرادی موفق، با اعتماد به نفس بالا، مثبت‌اندیش، شاد و با احساس خوشبختی هستند. برعکس، زوجینی که روابط عاطفی مناسب با هم ندارند، افرادی منزوی، بدخلق، با سطح سازگاری بسیار پایین در جامعه، ناموفق، همواره مأیوس و همیشه با احساس منفی بدبختی هستند. ارتباط خوب می‌تواند رابطه‌ها را بهبود دهد و دوستی، اعتماد و حمایت را در بین زوجین افزایش دهد. ارتباطات نامؤثر نیز می‌توانند پیوندها را تضعیف کند و بی‌اعتمادی و نفرت را به وجود آورد.

گاتمن^۲ (۱۹۹۳) و فیتز پاتریک (۱۹۸۸) به مقایسه الگوهای ارتباطی بین زوجین پرداختند. آن‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه و مشاهده به وجود دو نوع الگوی ارتباطی کلی در ازدواج پی بردند: زوجیت باثبات و زوجیت بی‌ثبات. زوجیت باثبات شامل زوج‌های سستی، زوج‌های دوجنسیتی (آندروژن) و زوج‌های اجتنابی (دوری‌گزین) می‌شود. زوجیت بی‌ثبات نیز شامل زوج‌های ناسازگار و زوج‌های آزاد و مستقل می‌شود. گاتمن دریافت که در هر سه الگوی زوجیت باثبات نسبت تبادل کلامی مثبت به منفی در جریان حل تعارض پنج به یک است؛ درحالی‌که این نسبت در هر دو الگوی زوجیت بی‌ثبات تقریباً یک به یک است؛ در نتیجه روابط زناشویی باثبات و بی‌ثبات هر دو از الگوهای رفتاری خاصی تبعیت می‌کنند.

1. Gillpatrick

2. Gottman

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

برای بررسی مسئله مطرح شده در این تحقیق، از سه دسته از نظریه‌ها استفاده شده است. ابتدا نظریه‌های مربوط به حوزه خانواده‌های مستحکم مطرح می‌شود (دیدگاه گاتمن، دیدگاه فیلیپ مک گراو، دیدگاه دیوید. اچ. السون). سپس نظریه‌های مربوط به سرمایه‌های فرهنگی - اقتصادی (نظریه پی.یر بوردیو) توضیح داده می‌شود و در نهایت به نظریه‌های مربوط به مکانیسم سرمایه‌های فرهنگی - اقتصادی اشاره می‌شود که شامل مکانیسم ساختار قدرت (دیدگاه بوئرمن، نظریه مبادل، تئوری منابع) و مکانیسم نوع روابط زوجین (نظریه ارنست برگس، دیدگاه آنتونی گیدنز) می‌شود.

الف- دیدگاه‌های مربوط به خانواده مستحکم

۱- دیدگاه گاتمن

از مشخصات ثابتی که زوج‌های پریشان را به سوی طلاق سوق می‌دهد، بروز رفتارهای منفی خاصی است که ما آن‌ها را سواران آخرالزمان (اشاره به کتاب مکاشفات یوحنا) می‌نامیم (گاتمن، ۱۹۹۴). هرچند منفی بودن قسمتی از ناسازگاری زناشویی است، این پیشگوهای خاص احتمال‌دهنده‌های وقوع پایان یک رابطه هستند. این چهار سوار کار انتقاد، تحقیر، حالت تدافعی و کارشکنی (نادیده گرفتن همسر) هستند (والش، ۲۰۱۶، ص. ۵۸). زمانی که هر چهار سوارکار در طی یک مشاجره وجود داشته باشند، می‌توانیم طلاق بین زوجین را پیش‌بینی کنیم؛ حتی اگر زوجین تازه ازدواج کرده باشند (گاتمن، ۱۹۹۴؛ کرییر و گاتمن، ۱۹۹۹) و کاهش کیفیت زناشویی را در صورت عدم طلاق پیش‌بینی می‌کنیم (گاتمن، کن، کرییر و سوانسون، ۱۹۹۸). این‌ها به‌درستی نشانه‌های خطر برای هر رابطه‌ای هستند. هنگامی که برحسب عادت در طی مشاجره استفاده شوند، باعث فرسایش ازدواج و ایجاد خصومت می‌شوند.

1. Coan

2. Swanson

۲- دیدگاه فیلیپ مک‌گراو^۱

فیلیپ مک‌گراو خانواده‌ای را موفق می‌داند که هر یک از اعضای آن به نوبه خود مانند ستاره‌ای می‌درخشند. همگی از موهبت‌ها، مهارت‌ها و استعدادهایشان استفاده می‌کنند و از وضعیت و موقعیت خود راضی‌اند. زندگی آن‌ها سرشار از امید، شور و شوق و انرژی است. آن‌ها در خانواده، مورد علاقه، محبت و احترام‌اند و هر چه را که برای تبدیل شدن به افرادی توانمند، سالم، و متکی به نفس نیازمند آن هستند، به دست می‌آورند. مک‌گراو برای تبدیل شدن یک خانواده به خانواده موفق و سالم، پنج عامل را مؤثر می‌داند. به نظر او همین عوامل هستند که خانواده را به سمت شادی، رضایتمندی، عشق و علاقه بیشتر رهنمون می‌کنند (مک‌گراو، ۱۳۸۸، ص. ۵۹). این عوامل شامل موارد زیر است:

- ایجاد یک نظام خانوادگی مبتنی بر محبت و پذیرش؛
- باید زندگی خانوادگی آهنگ مشخصی داشته باشد؛
- رسوم و سنت‌هایی را در خانواده برقرار کنید؛
- در روابط خود نقشی فعال داشته باشید؛
- چگونگی مقابله با بحران‌ها را یاد بگیرید؛

۳- دیدگاه دیوید. اچ. السون^۲

السون (۲۰۰۰) مدل خود را در مورد خانواده براساس تئوری سیستمی مطرح کرد. مدل السون متمرکز است بر سه بعد مرکزی از سیستم‌های خانوادگی و زناشویی: یکپارچگی، انعطاف‌پذیری و ارتباط. فرضیه اصلی مدل اولسون این است که سیستم‌های متوازن خانوادگی و زوجی در مقایسه با سیستم‌های نامتوازن عملی‌تر و کارا تر هستند (السون، ۲۰۰۰، ص. ۱۴۴). یکپارچگی خانوادگی به صورت «پیوند عاطفی که اعضای خانواده به یکدیگر دارند» تعریف می‌شود. در درون مدل، بعضی از مفاهیم یا متغیرهای خاص که می‌توانند در تشخیص و

1. Mc Graw

2. Olson

اندازه‌گیری ابعاد یکپارچگی خانوادگی استفاده شوند، عبارت‌اند از: پیوند عاطفی، حدود، اتحاد، زمان، فضا، دوستان، تصمیم‌گیری علاقه‌مندی‌ها و تفریح. تمرکز ساخت یکپارچگی این است که چطور سیستم‌های خانوادگی جدایی اعضایشان را در برابر باهم بودنشان متوازن می‌کنند (السون، ۲۰۰۰، ص. ۱۴۵). چهار سطح از یکپارچگی شامل این مورد است: رها (خیلی پایین)، جدا (پایین تا متوسط)، متصل (متوسط تا بالا) و گرفتار (خیلی بالا). سیستم‌های متوازن خانوادگی و زناشویی (گونه‌های جدا و متصل) در چرخه زندگی کارتر هستند. سطوح غایی یا نامتوازن (آزاد و گرفتار) عموماً برای روابط طولانی مدت مشکل‌آفرین به نظر می‌رسند. بسیاری از زوجها و خانواده‌ها که به درمان می‌روند، اغلب در یکی از دو حد غایی یا نامتوازن هستند. براساس مدل السون، خانواده‌های دارای سطوح بسیار بالای پیوستگی (گرفتار) و سطوح بسیار پایین پیوستگی (آزاد) به سمت مشکلات سوق پیدا می‌کنند (السون، ۲۰۰۰، ص. ۱۴۷).

انعطاف‌پذیری خانوادگی «مقدار تغییر در رهبری، روابط نقش‌ها و قوانین رابطه» است. مفاهیم ویژه شامل رهبری (کنترل کردن، انضباط دادن)، شیوه‌های گفت‌وگو، روابط نقش‌ها و قوانین رابطه هستند. تمرکز انعطاف‌پذیری بر این است که چگونه سیستم‌ها ثبات را در برابر تغییر متوازن می‌کنند. چهار سطح انعطاف‌پذیری شامل موارد زیر است: خشک (بسیار پایین)، قانونمند (پایین تا متوسط)، انعطاف‌پذیر (متوسط تا بالا) و متزلزل (بسیار بالا). براساس مدل السون، سطوح بالای انعطاف‌پذیری (متزلزل) و سطوح پایین انعطاف‌پذیری (خشک) برای افراد و گسترش روابط خانواده‌ها در طولانی مدت مشکل‌ساز می‌شوند. از طرف دیگر، روابط دارای سطوح متعادل از انعطاف‌پذیری (قانونمند و انعطاف‌پذیر) برای خانواده‌ها کارآمدتر هستند.

خانواده‌ها و ازدواج‌های نامتوازن به سمت خشک‌بودن یا متزلزل‌بودن می‌روند؛ بنابراین زوجها و خانواده‌ها هم به ثبات و هم به تغییر نیاز دارند و توانایی تغییر در زمان مناسب، زوجها و خانواده‌های کارآمد را از خانواده‌های غیرکارآمد متمایز می‌کند (السون، ۲۰۰۰، صص. ۱۴۷-۱۴۹). ارتباط، سومین بعد در مدل السون، یک بعد تسهیل‌کننده در نظر گرفته می‌شود. ارتباط برای تسهیل حرکت در دو بعد دیگر ضروری در نظر گرفته می‌شود. ارتباط خانوادگی و

زوجی با تمرکز بر خانواده به‌عنوان یک گروه در زمینه مهارت‌های شنیداری، مهارت‌های صحبت‌کردن، خودافشایی، وضوح، استمرار پیگیری و همچنین احترام و توجه اندازه‌گیری می‌شود. سیستم‌های متوازن به طرف داشتن ارتباطات خیلی خوب پیش می‌روند؛ درحالی‌که سیستم‌های نامتوازن به طرف داشتن ارتباطات ضعیف پیش می‌روند (السون، ۲۰۰۰، صص. ۱۴۹-۱۵۰).

جدول ۱- سطوح زوجین و انسجام خانواده

(السون، ۲۰۰۰، صص. ۱۴۸)

ابعاد	رها (نامتوازن)	جدا (متوازن)	متصل (متوازن)	گرفتار (نامتوازن)
جدایی- با هم بودن	جدایی بالا	جدایی بیشتر از با هم بودن	با هم بودن بیشتر از جدایی	با هم بودن خیلی بالا
توازن من-ما	اول من	من بیشتر از ما	ما بیشتر از من	اول ما
نزدیکی	نزدیکی پایین	نزدیکی کم تا متوسط	نزدیکی متوسط تا زیاد	نزدیکی خیلی بالا
وفاداری	فقدان وفاداری	وفاداری کم	وفاداری درخور توجه	وفاداری بالا
فعالیت‌های مشترک	جدایی اساسی	جدایی بیشتر از اشتراک	اشتراک بیشتر از جدایی	اشتراک اساسی
استقلال-وابستگی	استقلال بالا	استقلال بیشتر از وابستگی	وابستگی بیشتر از استقلال	وابستگی بالا

ب- نظریه پی‌یر بوردیو^۱

سرمایه در نظر بوردیو به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه به‌صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با سایر افراد یا گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره‌برد. سرمایه می‌تواند اقتصادی (ثروت)، اجتماعی (مجموعه روابط و پیوندهای قابل استفاده)، فرهنگی (تحصیلات، دانش و فرهنگ کسب‌شده) و حتی نمادین (پرستیژ و کاریزما) باشد (فکوهی، ۱۳۸۴، صص. ۱۴۵). بوردیو مشخص می‌کند که فضای جایگاه اجتماعی به‌وسیله دو اصل و قاعده متمایز متداخل یعنی سرمایه اقتصادی و

1. Bourdieu

سرمایه فرهنگی سامان داده می‌شود. در واقع، موقعیت افراد برحسب حجم و نوع سرمایه آن‌ها مشخص می‌شود و جایگاه آنان را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه مشخص می‌کند (بورديو، ۱۳۸۰).

ترکیب انواع سرمایه (البته فقط اقتصادی و فرهنگی) در نزد بورديو به‌منظور ارائه یک الگوی طبقه‌بندی اجتماعی استفاده می‌شود. اعضای هر طبقه در هر میدان، جایگاهی مخصوص به خود دارند که براساس ترکیب انواع سرمایه تعیین شده است.

تحلیل سرمایه در نزد هر طبقه به سه وجه مرتبط است: ۱- میزان سرمایه (کم/زیاد)، ۲- ساختار سرمایه (اقتصادی/ فرهنگی) و ۳- بعد زمانی سرمایه (کاهش بین‌نسلی/ افزایش بین‌نسلی) (بورديو، به نقل از رضوی‌زاده، ۱۳۸۷). بورديو براساس ترکیب سرمایه‌هایی که در اختیار افراد است، سه قشر بالا، متوسط و پایین را از یکدیگر متمایز می‌کند و با توجه به تفکیک سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، طبقات بالا، متوسط و پایین را به نحو درونی براساس توزیع نابرابر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به پاره‌طبقات مختلف تقسیم می‌کند. بورديو می‌گوید: «هرچه افراد از نظر سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی به هم نزدیک‌تر باشند، اشتراکات بیشتری بین آن‌ها وجود دارد. فضای مشترک فرهنگی و اقتصادی زمینه را برای تعامل بهتر و بیشتر آماده می‌کند. عاملان اجتماعی تا به آنجا با یکدیگر دارای مشترکات اند که در این دستگاه دویبعدی به یکدیگر نزدیک باشند و میزان تفاوت‌هایشان بستگی به این دارد که در این دستگاه چقدر از هم فاصله داشته باشند» (بورديو، ۱۳۸۱، ص. ۳۳).

ج- نظریه‌های مرتبط با مکانیسم‌های تأثیرگذار بر استحکام خانواده

الف- ساختار قدرت در خانواده

۱- دیدگاه بوئرمن

بوئرمن در بررسی الگوهای ساخت قدرت در خانواده به سه سطح توجه کرده است که

عبارت‌اند از:

- در یک سطح ساخت قدرت بین زن و شوهر را مطرح می‌کند که به روابط بین زن و شوهر در حد تعیین و گرفتن تصمیمات اشاره دارد. در این سطح روابط می‌تواند به صورت سلطه زن یا شوهر یا به شکلی برابانه برقرار باشد؛

- در سطح دوم به الگوهای نقش والدین توجه کرده است؛

- در سطح سوم، ساخت‌های تربیت فرزندان را مطرح کرده است که این ساخت از یک طیف تشکیل شده است که در یک سر آن سلطه کامل والدین و در طرف دیگر طیف نظارت حداقلی آنان بر فرزندان قرار دارد.

۲- نظریه مبادله

نظریه مبادله یکی از دیدگاه‌های مهم در جامعه‌شناسی است. این نظریه بر قدرت زناشویی متمرکز شده است. براساس این نظریه، سه عنصر هنجارهای اجتماعی، منابع و منافع توزیع قدرت یک رابطه را تعیین می‌کند. عنصر اول بیان می‌کند که هنجارهایی مثل ریاست مرد در خانه و برخورداری از سن و پول بیشتر و تحصیلات بالاتر و شغل بهتر در مقایسه با زنان، موجب افزایش قدرت مردان شده است. عنصر دوم، منابع است. هریک از دو شریک زندگی که منابع بیشتری مثل پول، دانش یا ظاهر فیزیکی بهتر در اختیار داشته باشند، قدرت بیشتری دارند. عنصر سوم، منافع است؛ یعنی هرکدام از زوجین که منافع کمتری از این رابطه به دست آورد، قدرت بیشتری خواهد داشت (تیلور، ۲۰۰۰، به نقل از زارعی، ۱۳۹۸)

بدین ترتیب، از دیدگاه این نظریه «روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آن‌ها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت، منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود» (جلیلیان، ۱۳۷۵، صص. ۴۴-۴۵).

۳- تئوری منابع^۱

این دیدگاه بیانگر آن است که در روابط زن و شوهر، توازن قدرت در تصمیم‌گیری به طرف فردی است که بزرگ‌ترین یا به عبارتی بااهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد؛ به عبارت دیگر، بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده برحسب منابعی است که هریک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند. این منابع ارزشمند به‌طور خاص، توانایی کسب درآمد، تحصیلات، اعتبار شغلی و قدرت مالی است که هریک از زن و شوهر به میزان برخوردارگی از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند (ریترز، ۱۹۷۹، ص. ۳۹۰).

ب- نوع روابط زوجین

۱- نظریه ارنست برگس^۲ (اثرات متعامل)

برگس، خانواده را به‌عنوان گروه یا پاره‌نظام می‌پذیرد و به راه‌های ارتباط افراد در خانواده، کنش متقابل میان اعضا و نحوه تعاملات آن توجه دارد. در این دیدگاه اعضای خانواده کنشگران فعالی هستند که در تعیین و تغییر برنامه‌های حال و آینده خویش ایفای نقش مؤثر دارند. اهداف خانواده توسط گروه با توجه به نقش و مسئولیت اعضا تعیین می‌شود و اعضا از طریق تفاهم و وحدت عمل درصدد هستند به اهداف مشترک نایل آیند. در شبکه روابط خانوادگی، رشد فردی اعضا مجاز شمرده می‌شود و انتقال قدرت میان اعضا پدیده‌ای غیرمجاز تلقی نمی‌شود. افراد طی کنش و واکنش‌ها و تعاملاتی که با یکدیگر دارند، جایگاه خود را شکل می‌دهند. نظریه اثرات متعامل به بررسی روابط و نحوه تعاملات اعضای خانواده در سه بعد قدرت، گفت‌وگو و ابزار صمیمیت می‌پردازد. با توجه به نحوه تعاملات اعضای خانواده (همسران) در سه بعد قدرت، گفت‌وگو و ابزار صمیمیت می‌توان انتظار وجود خانواده با روابط دوسویه و دموکراتیک یا خانواده با روابط یک‌سویه و قیم‌آبانه را داشت (رضایی، ۱۳۹۰).

1. Resource Theory

2. Burgess

۲- دیدگاه آنتونی گیدنز^۱

گیدنز به درستی خانواده را یکی از نهادهای اصلی «جامعه مدنی» می‌داند و معتقد است لازمه برقراری جامعه‌ای مستحکم، داشتن خانواده‌های مستحکم است. چنین خانواده‌ای در دنیای کنونی مشابه با خانواده سنتی نیست و براساس تساوی بین دو جنس شکل می‌گیرد که می‌توان براساس آن چارچوبی قانونی و اخلاقی برای خانواده نیرومند امروزی بنا کرد (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۳).

به عقیده گیدنز، دگرگونی‌های بزرگی در خانواده روی داده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ارزشمند دانستن (تکریم فرزندان)، تحول نقش‌های زن و شوهری، موقعیت در حال تغییر زنان و موازنه قدرت آن‌ها با مردان و درنهایت، ظهور «دموکراسی عاطفی در خانواده» که در آن تساوی، ارتباط و اعتماد وجود دارد (کسل، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۷). از نگاه گیدنز، خانواده مستحکم مدرن خانواده‌ای است که در آن تساوی زن و مرد، ارتباط صحیح، اعتماد و اتخاذ تصمیم به شیوه دموکراتیک (غیرخسونت‌آمیز) جریان دارد (گیدنز، ۱۳۸۴).

با توجه به نظریه‌هایی که در مبانی نظری مطرح شدند، چارچوب نظری می‌تواند تلفیقی از چند نظریه باشد. بخش اول نظریه‌ها در مورد خانواده مستحکم است که گاتمن، مک‌گرو و اولسون در مورد آن بحث کرده‌اند. برای دستیابی به ویژگی‌ها و خصوصیات خانواده مستحکم به بررسی نظریه‌ها و دیدگاه افرادی همچون گاتمن و مک‌گرو پرداخته شده است. گاتمن در دیدگاهش به چهار سوارکار مخرب (انتقاد، تحقیر، حالت تدافعی و کارشکنی) نادیده گرفتن همسر)) و متارکه عاطفی در بین زوجین اشاره می‌کند و آن‌ها را برای ازدواج زیان‌بخش و احتمال‌دهنده‌های وقوع پایان یک رابطه می‌داند. او برای تبدیل شدن یک خانواده به خانواده موفق و راضی به ویژگی‌هایی همچون علاقه و تحسین، نقشه‌های آگاهی یا عشق، تکریم کشمکش، ما بودن و... در بین زوجین اشاره می‌کند.

1. Giddens

مک‌گرو برای تبدیل شدن یک خانواده به خانواده موفق و سالم، پنج عامل شامل ایجاد یک نظام خانوادگی مبتنی بر محبت و پذیرش، زندگی خانوادگی همراه با آهنگ مشخص، ایجاد رسوم و سنت در خانواده، داشتن نقش فعال در روابط و مقابله با بحران‌ها را مؤثر می‌داند. تعریف خانواده نمونه یا حتی طبیعی مشکل است و مشاهده عملکرد خانواده‌های طبیعی تنها در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و پرورشی ممکن است؛ بنابراین در بیشتر نظریات و مطالعات برای معرفی خانواده مستحکم به خصوصیات مشترکی همچون ارتباطات، انعطاف‌پذیری، حل تعارض، احساس تعهد، وقت‌گذرانی لذت‌بخش با یکدیگر در زمان‌های مناسب، تحمل فشارها و بحران‌ها، رابطه جنسی، خانواده و دوستان و مدیریت مالی اشاره شده است؛ بر همین اساس، در تحقیق حاضر برای سنجش استحکام از مدل السون که بر سه بعد مهم از سیستم‌های خانوادگی و زناشویی (ارتباط، انعطاف‌پذیری و یکپارچگی) استفاده می‌شود که به سطوح انسجام زوجین و خانواده‌های متوازن و نامتوازن اشاره می‌کند.

سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی از جمله عواملی است که می‌توانند بر موقعیت و جایگاه افراد تأثیر بگذارند. یکی از نظریه‌پردازان مهم که در این زمینه بحث کرده است، بوردیو است. بوردیو مشخص می‌کند جایگاه و موقعیت افراد ابتدا در خانواده و سپس در جامعه به وسیله میزان، ساختار و بعد زمانی، دو اصل و قاعده متمایز متداخل یعنی سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی سامان داده می‌شود و هرچه افراد از نظر سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی به هم نزدیک‌تر باشند، اشتراکات بیشتری بین آن‌ها وجود دارد و این فضای مشترک زمینه را برای تعامل بهتر و بیشتر آماده می‌کند که همین امر باعث ایجاد ارتباط، انعطاف‌پذیری و یکپارچگی بهتر بین زوجین می‌شود. در این پژوهش سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی به‌طور غیرمستقیم و از طریق مکانیسم بر استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد.

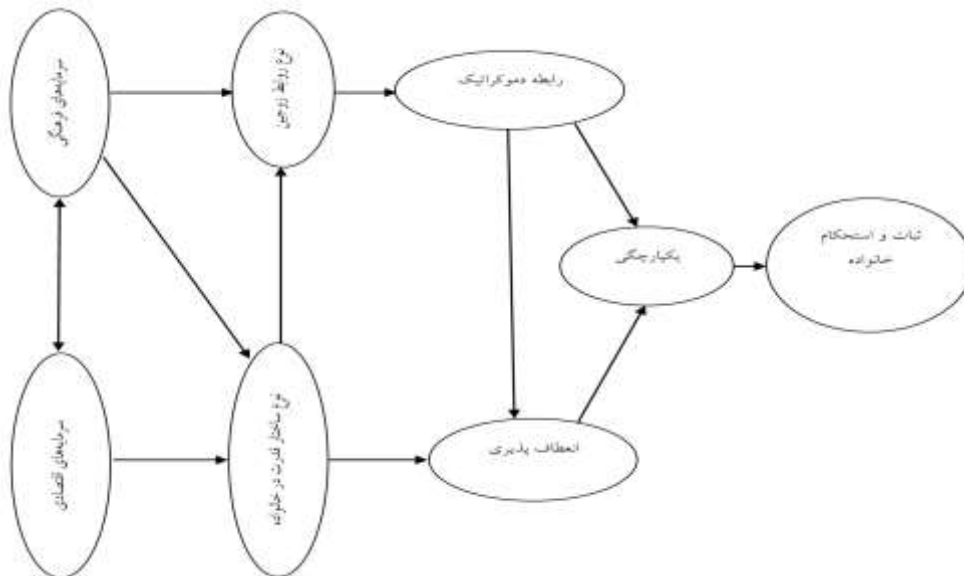
سرمایه فرهنگی در سه بعد از طریق نوع روابط زوجین بر استحکام تأثیر می‌گذارد: تجسم‌یافته که به مهارت‌های هنری و ذوقی افراد اشاره می‌کند، عینیت‌یافته که به میزان مصرف کالاهای فرهنگی و تملک کالاهای فرهنگی در نزد افراد اشاره دارد و نهادی‌شده که به مدارک

تحصیلی فرد و والدین فرد اشاره دارد. همچنین سرمایه اقتصادی از طریق ساختار نظام قدرت در خانواده بر استحکام تأثیرگذار است؛ بنابراین می‌توان گفت نوسان سرمایه فرهنگی در بین زوجین می‌تواند بر نحوه تعاملات اعضای خانواده (همسران) تأثیر بگذارد. گیدنز روابط درون خانواده مستحکم مدرن را رابطه‌ای می‌داند که در آن تساوی زن و مرد، ارتباط صحیح، اعتماد و اتخاذ تصمیم به شیوه دموکراتیک (غیرخشونت‌آمیز) جریان دارد؛ بنابراین می‌توان گفت طبق نظریه برگس که به بررسی روابط و نحوه تعاملات اعضای خانواده در سه بعد قدرت، گفت‌وگو و ابزار صمیمیت می‌پردازد، خانواده منسجم و متوازن دارای روابط دوسویه و دموکراتیک و خانواده نامنسجم و نامتوازن دارای روابط یک‌سویه و قیم‌مآبانه هستند.

هر چه سرمایه اقتصادی زوجین در نوسان باشد، می‌تواند بر نوع ساختار قدرت بین زن و شوهر تأثیر بگذارد که براساس نظریه مبادله جورج هومنز و پیتربلو و نظریه منابع بلاد و ولف، سه عنصر هنجارهای اجتماعی، منابع و منافع، توزیع قدرت یک رابطه را تعیین می‌کنند و این بیانگر می‌کند که در روابط زن و شوهر، توازن قدرت تصمیم‌گیری به طرف فردی است که بزرگ‌ترین یا به عبارتی بااهمیت‌ترین منابع را در اختیار دارد. بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده برحسب منابعی است که هریک از زن و شوهر در زمان ازدواج به خانواده آورده‌اند؛ از این رو این منابع و داشته‌ها می‌توانند میزان انعطاف‌پذیری در میان زوجین را مشخص کنند، یک رابطه انعطاف‌پذیر با رهبری تساوی طلب و یک رویکرد دموکراتیک برای تصمیم‌گیری توصیف می‌شود، بحث‌ها آزاد هستند و تقسیم نقش وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت طبق دیدگاه بوئرنمن که توزیع قدرت در خانواده را به شکل سلطه زن، سلطه شوهر و شکل برابره تقسیم کرده است، خانواده دارای توزیع قدرت به شکل برابره مشخصه خانواده انعطاف‌پذیر است که از نظر السون رویکرد خانواده‌های متوازن و منسجم است.

مدل مفهومی این پژوهش را با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده می‌توان به صورت شکل ۱

ترسیم کرد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر براساس این الگو عبارت‌اند از:

- ۱- به نظر می‌رسد سرمایه‌های اقتصادی زوجین از طریق نوع ساختار قدرت در خانواده بر میزان ثبات و استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد.
- ۲- به نظر می‌رسد سرمایه‌های فرهنگی زوجین از طریق نوع روابط زوجین بر میزان ثبات و استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد.

۳. روش تحقیق

روش انجام تحقیق پیمایش^۱ است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه ساخت‌یافته^۲ و استاندارد گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق زوجین شهر سنقر بودند که مطابق

1. Survey

2. Structured Questionnaire

آخرین سرشماری نفوس و مسکن برابر با ۱۳۲۲۸ خانوار بوده‌اند. به منظور تعیین حجم نمونه، ساده‌ترین روش استفاده از فرمول کوکران است؛ بنابراین حجم نمونه با توجه به فرمول ذکر شده، ۳۷۳ نفر بود که براساس سهم جمعیت هر منطقه تعداد نمونه مناطق تعیین شد؛ بنابراین برای جلوگیری از مخدوش یا ناقص بودن احتمالی برخی از پرسشنامه‌ها، حجم نمونه ۴۰۰ نفر لحاظ شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب استفاده شد که خود جزو نمونه‌گیری‌های احتمالی است. همچنین برای پی‌بردن به اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار صوری^۱ استفاده شد. برای سنجش اینکه آیا سؤالات دارای پایایی هستند، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

در این قسمت به نتایج پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی اشاره می‌کنیم. پس از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، مشخص شد در نمونه آماری بررسی شده، بیشترین گروه سنی پاسخگویان گروه ۲۵ تا ۴۰ بودند و در این میان بیشترین سن پاسخگویان ۶۰ سال و کمترین سن ۲۲ سال بود. بیشتر پاسخگویان که ۸۹/۸ درصد را تشکیل می‌دادند، در کنار همسر و فرزندان‌شان زندگی می‌کردند. ۵۲/۸ درصد از خانواده‌های سنقر دارای دو فرزند بودند که نشان از بعد خانوار کم در این شهر دارد. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان تحصیلاتی در سطح فوق دیپلم و لیسانس داشتند. از نظر قومیت بیشترین درصد پاسخگویان کرد زبان بودند. از نظر مذهب ۹۸/۸ درصد از پاسخگویان شیعه‌مذهب بودند. نتایج مربوط به وضعیت اقتصادی پاسخگویان را می‌توان به این شکل ارائه کرد. در مجموع، پرسشنامه تحقیق در ۴ منطقه و ۸ محله در شهر سنقر تکمیل شد که ۲ محله در مناطق پایین شهر، ۲ محله در مناطق متوسط رو به پایین، ۲ محله در مناطق متوسط و ۲ محله در مناطق بالای شهر قرار داشتند. نتایج حاکی از این است که بیشتر پاسخگویان در وضعیت اقتصادی متوسط به پایین

بودند. از نظر نحوه مالکیت مسکن، ۶۸/۸ درصد از پاسخگویان دارای مسکن شخصی بودند و از نظر وضعیت اشتغال ۵۸/۹ درصد از پاسخگویان شاغل بودند.

جدول ۲- میزان پایایی شاخص‌های تحقیق

نام متغیرها	ضریب آلفا
سرمایه فرهنگی	۰/۷۱
سرمایه اقتصادی	۰/۶۹
ساختار قدرت	۰/۶۸
نوع روابط زوجین	۰/۹۴
استحکام	۰/۹۲
رابطه دموکراتیک	۰/۸۸
مشارکت	۰/۷۳
توزیع نقش‌ها	۰/۸۷

نتایج به دست آمده از توصیف متغیرهای اصلی نشان می‌دهد از لحاظ استحکام بیشتر خانواده‌های بررسی شده در این پژوهش دارای سطح استحکام متوسط به پایین هستند. استحکام خانواده در این پژوهش به چهار بعد تفکیک شد: رضایت، ارتباطات، تعارض، تحریف آرمانی که زوجین سنقر در هر چهار بعد استحکام در سطح پایین قرار دارند. از لحاظ نوع رابطه بیشترین سطح رابطه در بین زوجین این شهر در سطح متوسط به پایین است. نوع رابطه زوجین بر اساس سه بعد سنجیده شد: میزان گفت‌وگو، ابراز محبت، و اعمال قدرت. بیشتر پاسخگویان در بعد گفت‌وگو در سطح متوسط به پایین، در بعد ابراز محبت در سطح پایین و در بعد اعمال قدرت در سطح پایین قرار دارند. وضعیت ساختار قدرت در بین زوجین سنقر در سطح پایین قرار دارد. این نتیجه حاکی از این نکته است که بیشتر زوجین سنقر دارای قدرت مشارکتی کم در خانواده خود هستند و قدرت مستقلانه یکی از زوجین که در این مورد مردان است، در بین زوجین این شهر وجود دارد. تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف در بین

زوجین در سطح متوسط به پایین قرار دارد؛ یعنی زوجین کمتر در امور خانواده به صورت مشترک تصمیم‌گیری می‌کنند و در واقع بیشتر تصمیمات را به تنهایی می‌گیرند. تقسیم کار در بین زوجین در سطح پایین قرار دارد؛ یعنی کارهای منزل و مراقبت از فرزندان که دو بعد سنجش تقسیم کار بودند، به عهده یکی از زوجین قرار دارد که در این پژوهش، زنان است. وضعیت سرمایه فرهنگی زوجین در این شهر در سطح متوسط به پایین قرار دارد و میزان سرمایه فرهنگی در سه بعد عینی، متجسد و نهادی، در بین زوجین شهر سنقر هر سه بعد در سطح متوسط به پایین قرار دارد. وضعیت سرمایه اقتصادی زوجین شهر سنقر در سطح متوسط به پایین قرار دارد. با تکیه بر بعد زمانی (کاهش بین نسلی / افزایش بین نسلی)، در هر دو بعد سرمایه اقتصادی، پاسخگویان در سطح متوسط به پایین قرار دارند؛ یعنی بین سرمایه اقتصادی فرد و سرمایه اقتصادی والدین فرد اختلاف معناداری وجود ندارد.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

فرضیه اول مطرح شده در تحقیق به این صورت بود که سرمایه‌های اقتصادی زوجین از طریق نوع ساختار قدرت در خانواده بر میزان ثبات و استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد. برای آزمون این فرضیه با استفاده از رگرسیون خطی و آزمون همبستگی، سه نوع رابطه بین ۱- سرمایه اقتصادی و استحکام خانواده، ۲- ساختار قدرت و استحکام خانواده و ۳- سرمایه اقتصادی و ساختار قدرت بررسی می‌شود. براساس نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی و مدل‌های رگرسیونی، معناداری رابطه بین سرمایه اقتصادی و استحکام خانواده به صورت مستقیم پذیرفته نمی‌شود؛ به عبارتی می‌توان گفت سرمایه اقتصادی رابطه معناداری با استحکام خانواده ندارد؛ یعنی افزایش سرمایه اقتصادی به صورت مستقیم باعث افزایش استحکام خانواده نمی‌شود؛ بنابراین نتیجه به دست آمده با نظریه بوردیو همخوانی ندارد.

جدول ۳- معناداری مدل خطی

مدل	درجه آزادی	میانگین مربعات خطا	آماره فیشر	p-value (sig)
رگرسیون	۱	۷۵۶/۸۰۰	۲/۳۶۱	۰/۱۲۵
خطا	۳۹۸	۳۲۴/۳۳۴		
کل	۳۹۹	-		

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که ساختار قدرت بر استحکام خانواده اثر مستقیم و معناداری دارد؛ یعنی هرچه قلمرو قدرت در بین زوجین پررنگ‌تر باشد؛ یعنی حوزه تصمیم‌گیری و تقسیم نقش‌ها مشارکتی‌تر باشد و همسران در مسائل درون خانواده با تعامل صحیح و گفت‌وگو تصمیمات مشترک را بگیرند، به همان میزان ثبات و استحکام خانواده آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۴- تأثیر ساختار قدرت بر استحکام خانواده

ساختار قدرت				متغیر
ضرایب	برآورد ضرایب	معناداری	ضریب تعیین	استحکام خانواده
α	۸۷/۹۶۱	۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	
β_1	۰/۷۲۲	۰۰/۰۰	۰/۰۸۷	

همچنین سرمایه اقتصادی تأثیر مستقیم و مثبتی بر ساختار قدرت دارد؛ یعنی مطابق با نظریه مبادله جورج هومنز، زمانی که هریک از دو شریک زندگی به لحاظ سرمایه و منابع اقتصادی جایگاه بالاتری را نسبت به دیگری اشغال کند، متناسب با آن سرمایه و منابع اقتصادی از قدرت مطلوب‌تری در حوزه زندگی زناشویی برخوردار می‌شوند، اما هرچه جایگاه اقتصادی افراد در زندگی زناشویی تنزل پیدا کند، به همان میزان نیز از قدرت آن‌ها کاسته خواهد شد.

جدول ۵- تأثیر وضعیت سرمایه اقتصادی بر ساختار قدرت

سرمایه اقتصادی				متغیر
ضرایب	برآورد ضرایب	معناداری	ضریب تعیین یافته	ساختار قدرت
$\hat{\alpha}$	۵۰/۶۳۸	۰/۰۰۰	۰/۱۵۹	
$\bar{\beta}_1$	۳/۴۹۸	۰/۰۰۱		

فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر این است که سرمایه‌های فرهنگی زوجین از طریق نوع روابط زوجین بر میزان ثبات و استحکام خانواده تأثیر می‌گذارد. برای آزمون این فرضیه با استفاده از رگرسیون خطی و آزمون همبستگی سه نوع رابطه بین ۱- سرمایه فرهنگی و استحکام خانواده ۲- نوع روابط زوجین و استحکام خانواده ۳- سرمایه فرهنگی و نوع روابط زوجین بررسی می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی و مدل‌های رگرسیونی، معناداری رابطه بین سرمایه فرهنگی و استحکام خانواده هم به صورت مستقیم و هم از طریق مکانیسم نوع روابط پذیرفته می‌شود؛ بنابراین رابطه بین سرمایه فرهنگی و استحکام خانواده مطابق نظر بوردیو تأیید می‌شود.

طبق نتایج جدول ۷، نوع روابط زوجین بر استحکام خانواده اثر مستقیم و معناداری دارد؛ یعنی هرچه زوجین به لحاظ نوع رابطه در سطح دموکراتیک قرار بگیرند، به همان میزان استحکام خانواده آنان نیز افزایش می‌یابد. نتیجه حاصل از این فرضیه می‌تواند تأییدی بر نظریه اثرات متعامل برگس باشد که خانواده منسجم و نامنسجم را براساس روابط و نحوه تعاملات اعضای خانواده (همسران) پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۶- تأثیر وضعیت سرمایه فرهنگی بر استحکام خانواده

سرمایه فرهنگی					متغیر
ضرایب	برآورد ضرایب	معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	استحکام خانواده
$\hat{\alpha}$	۱۲۴/۵۵۳	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۰۳۴	
$\bar{\beta}_1$	۱۲/۱۰۲	۰/۰۰۰			

جدول ۷- تأثیر نوع روابط زوجین بر استحکام خانواده

نوع روابط					متغیر
ضرایب	برآورد ضرایب	معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	استحکام خانواده
$\hat{\alpha}$	۲۸/۹۷۴	۰/۰۰۰	۰/۸۵۵	۰/۷۳۰	
$\bar{\beta}_1$	۱/۲۵۲	۰/۰۰۰			

جدول ۸- تأثیر سرمایه فرهنگی بر نوع روابط زوجین

سرمایه فرهنگی					متغیر
ضرایب	برآورد ضرایب	معناداری	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	نوع روابط
$\hat{\alpha}$	۷۶/۳۳۲	۰/۰۰۰	۰/۲۰۲	۰/۰۳۸	
$\bar{\beta}_1$	۸/۷۲۱	۰/۰۰۰			

با توجه به نتایج می توان گفت که سرمایه فرهنگی از لحاظ آماری بر نوع روابط زوجین اثر مستقیم و معناداری دارد؛ به عبارتی می توان گفت هرچه سرمایه فرهنگی زوجین بیشتر باشد، بر نوع روابط آنها تأثیر می گذارد و رابطه موکراتیک را در بین زوجین افزایش می دهد.

۵. نتیجه‌گیری

خانواده به‌عنوان رکن اصلی نظام اجتماعی محسوب می‌شود. ترس از مرگ خانواده در دوران آشفتگی اجتماعی و همچنین دهه‌های اخیر به‌سرعت در حال افزایش است و بقای واقعی خانواده مورد سؤال است (کونتز، ۱۹۹۷). در دهه‌های اخیر، خانواده‌ها و دنیای اطراف آن‌ها به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. این مهم است که چالش‌هایی را درک کنیم که خانواده‌ها با آن مواجه هستند و نحوه‌های برخورد خانواده با این چالش‌ها که می‌تواند خانواده را قادر به موفق‌شدن و کامیابی کند (والش، ۲۰۱۶)؛ در نتیجه همواره خود را با این پرسش‌ها مواجه می‌بینیم: وضعیت استحکام خانواده به چه صورت است؟ و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زوجین با چه مکانیسم‌هایی بر استحکام خانواده تأثیر می‌گذارند؟

درمورد وضعیت استحکام خانواده نتایج نشان می‌دهد که بیشترین سطح استحکام خانواده‌ها در شهر سنقر در سطح جدا قرار دارد. در این سطح مقداری جدایی عاطفی وجود دارد، اما به شدت سیستم آزاد نیست. درحالی‌که زمان جدایی مهم‌تر است، اما زمان با هم بودن، تصمیم‌گیری‌های مشترک و حمایت زناشویی وجود دارد. در این سطح، فعالیت‌ها و علائق عموماً جدا اما تعدادی هم مشترک هستند؛ بنابراین طبق دیدگاه السون، بیشتر خانواده‌ها در این شهر جزو خانواده‌های متوازن و منسجم هستند، ولی درصد خانواده‌هایی که در سطح رها قرار دارند نیز درخور توجه است.

بحث دوم درمورد مکانیسم‌های تأثیرگذار بر استحکام خانواده است که به دو بخش تقسیم می‌شود: ساختار قدرت و نوع روابط زوجین.

نظریه منابع، مبادله و نظریه بوئرمن به قدرت مشارکتی خانواده و توازن قدرت بین زوجین پرداخته‌اند و ساختار قدرت را براساس تقسیم کار و قدرت تصمیم‌گیری سنجدانده‌اند. از نگاه نظریه منابع، اشتغال، تحصیلات، منزلت شغلی و دارایی و تملک شخصی بر قدرت تصمیم‌گیری زوجین تأثیرگذار است؛ بنابراین این منابع و داشته‌ها می‌توانند میزان

انعطاف‌پذیری در میان زوجین را مشخص کنند. یک رابطه انعطاف‌پذیر با رهبری تساوی‌طلب و یک رویکرد دموکراتیک برای تصمیم‌گیری توصیف می‌شود. بحث‌ها آزاد هستند و تقسیم نقش وجود دارد؛ بنابراین این خانواده‌ها جزو خانواده‌های متوازن و منسجم به حساب می‌آیند. سطح ساختار قدرت در بین زوجین سنقر در سطح پایین قرار دارد. این نتیجه حاکی از این نکته است که بیشتر زوجین این شهر دارای قدرت مشارکتی کم در درون خانواده خود هستند و قدرت مستقلانه یکی از زوجین که در این پژوهش مردان است، مشهود است.

تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف در بین زوجین در سطح متوسط به پایین و تقسیم کار در بین زوجین در سطح پایین قرار دارد و کارهای منزل و مراقبت از فرزندان که دو بعد سنجش تقسیم کار بودند، به عهده یکی از زوجین است که در این پژوهش زنان هستند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سطح انعطاف‌پذیری در بین زوجین شهر سنقر در سطح خشک (بسیار پایین) قرار دارد. رابطه خشک در جایی وجود دارد که فرد، مسئول و بسیار کنترل‌کننده است. بحث‌های محدود با بیشتر تصمیم‌هایی که توسط رهبر تحمیل شده‌اند، وجود دارد. نقش‌ها اکیداً تعریف شده‌اند و قوانین تغییر نمی‌کنند؛ بنابراین تأثیر ساختار قدرت بر استحکام خانواده طبق نتایج به دست آمده از نحوه توزیع قدرت بین زوجین در این شهر با نظریه‌ها همخوانی دارد.

بحث مربوط به نوع روابط در بین زوجین مربوط است که نظریه اثرات متعامل و نظریه گیدنز درمورد آن بحث کرده‌اند. گیدنز روابط درون خانواده مستحکم مدرن را رابطه‌ای دموکراتیک (غیرخشونت‌آمیز) می‌داند. همچنین نظریه اثرات متعامل به بررسی روابط و نحوه تعاملات اعضای خانواده در سه بعد، قدرت، گفت‌وگو و ابزار صمیمیت می‌پردازد و با توجه به این سه بعد، انتظار وجود خانواده با روابط دوسویه و دموکراتیک یا خانواده با روابط یک‌سویه و قیم‌مآبانه را دارد؛ بنابراین خانواده‌های منسجم و متوازن دارای روابط دوسویه و دموکراتیک هستند. خانواده‌های متوازن به طرف داشتن ارتباطات خوب پیش می‌روند؛ درحالی‌که خانواده‌های نامتوازن به طرف داشتن ارتباطات ضعیف پیش می‌روند. براساس نتایج، سطح

رابطه در بین زوجین این شهر متوسط به پایین است که نشان از رابطه تقریباً دموکراتیک (غیرخشونت‌آمیز) در بین زوجین این شهر دارد که ویژگی خانواده‌های منسجم و متوازن است؛ بنابراین تأثیر نوع روابط زوجین بر استحکام خانواده طبق نتایج به‌دست‌آمده، با نظریه برگس و گیدنز همخوانی دارد.

بحث آخر در مورد سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زوجین است که از طریق مکانیسم‌ها بر استحکام خانواده تأثیر می‌گذارند. سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر موقعیت و جایگاه افراد تأثیر بگذارند. یکی از نظریه‌پردازان مهم که در این زمینه بحث کرده است، بوردیو است. بوردیو مشخص می‌کند جایگاه و موقعیت افراد ابتدا در خانواده و سپس در جامعه به وسیله میزان، ساختار، بعد زمانی و دو اصل و قاعده متمایز متداخل یعنی سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی سامان داده می‌شود و هرچه افراد از نظر سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی به هم نزدیک‌تر باشند، اشتراکات بیشتری بین آن‌ها وجود دارد و این فضای مشترک زمینه را برای تعامل بهتر و بیشتر آماده می‌کند که همین امر باعث ایجاد ارتباط، انعطاف‌پذیری و یکپارچگی بهتر بین زوجین می‌شود. همان‌طور که از نتایج تحلیل رگرسیونی برآمد، متغیرهای سرمایه اقتصادی و فرهنگی در خصوص تأثیر مستقیم بر میزان استحکام خانواده به طور کلی درصد کمی از تغییرات متغیر وابسته را می‌توانند پیش‌بینی کنند. در پایان، طبق نتایج پژوهش می‌توان گفت به‌طور حتم مسائل خانواده امروز ایرانی با مسائل ده سال پیش بسیار متفاوت است. خانواده ایرانی امروز با مسائل خاصی روبه‌روست که بیشتر آن‌ها را تاکنون تجربه نکرده است. اگر چه هرگونه بحث درباره مسائل خانواده، بدون در نظر گرفتن مسائل مالی و اقتصادی اشتباه است و قسمت عمده‌ای از مشکلات امروز و چالش‌های آینده خانواده‌ها را می‌توان در شرایط دشوار اقتصادی یافت، همیشه نمی‌توان این موضوع را سر لوحه همه مشکلات خانواده در نظر گرفت. مسئله استحکام خانواده ایرانی را باید با توجه به هویت فرهنگی خاص و تقریباً آشفته‌ای که دارد، سنجید؛ بنابراین برای تقویت استحکام خانواده از مهم‌ترین وظایف همسران پاسخ به نیازهای یکدیگر است تا زمینه‌های

رشد و شکوفایی یکدیگر را در ابعاد گوناگون فراهم آورند. دستیابی به این هدف، یعنی رشد و شکوفایی، نیازمند آرامش و فضایی سرشار از محبت دوجانبه است؛ محیطی که در آن تندخویی، بی‌احترامی، بی‌مهری، جرو بحث، بدنامی، تحقیر و آزار یکدیگر وجود نداشته باشد. خداوند کانون خانواده را کانون آرامش و محبت معرفی کرده است.

کتاب‌نامه

۱. ابوالحسن تنهایی، ح.، و شکریگی، ع. (۱۳۸۷). جهانی شدن، تجدد گرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی). فصلنامه جامعه‌شناسی، ۱۰، ۵۶-۳۳.
۲. احمدی، خ.، دوازده امامی، م.، شهیاد، ش.، و اخوان راد، ش. (۱۳۹۱). مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده های نظامی و غیرنظامی. مجله علوم رفتاری، ۶(۱)، ۳۸-۳۱.
۳. اشنویند، کی. ای. (۱۳۸۲). نقش خانواده در پرورش انسان (ش. فهیمی، مترجم). ماهنامه رشد معلم، ۱۸۰، ۱۶-۱۲.
۴. اعزازی، ش. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران.
۵. بارکر، ف. (۱۳۸۸). خانواده‌درمانی پایه (م. دهقانی و ز. دهقانی، مترجمان). تهران: انتشارات رشد.
۶. بخارایی، ا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی). تهران: انتشارات پژوهاک جامعه.
۷. براد شاو، ج. (۱۳۸۶). خانواده، تحلیل سیستمی خانواده (م. قراچه داغی، مترجم). تهران: انتشارات لیوسا.
۸. بوردیو، پ. (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی (م. مردیها، مترجم). تهران: انتشارات نقش و نگار.
۹. به پژوه، ا. (۱۳۹۰). مقایسه ویژگی‌های خانواده سالم و ناسالم. ماهنامه پیوند، ۳۸۱، ۱۱-۷.
۱۰. جی گود، و. (۱۳۵۲). خانواده و جامعه (و. ناصحی، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۱. حاجیان مقدم، ف.، غفاری، غ.، و صالحی امیری، ر. (۱۳۹۴). ویژگی‌های خانوادگی مستحکم ایرانی: مرور پژوهش‌های انجام شده طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۷۴. فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، ۱۷(۱)، ۱۵۶-۱۳۷.
۱۲. دواس، دی. ای. (۱۳۸۳). پیمایش در تحقیقات اجتماعی (ه. نایی، مترجم). تهران، نشر نی.
۱۳. رضایی، ف. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی و فرهنگی زنان بر نوع روابط آنها با همسرانشان در خانواده (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۱۴. ریاحی، م.، علیوردی نیا، ا.، و بهرامی کاکاوند، س. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). فصلنامه پژوهش زنان، ۵(۳)، ۱۴۰-۱۰۹.
۱۵. زارعی، ح.، و ابولفتحی، ی.، و صحاف، ر.، و مهدی، م. (۱۳۹۸). بررسی میزان رضای زناشویی سالمندان ازدواج کرده، مجله سالمند، ۱۴(۱)، ۲۵-۱۴.
۱۶. ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
۱۷. ساروخانی، ب.، و امیر پناهی، م. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. فصلنامه پژوهش زنان، ۴(۳)، ۶۰-۳۱.
۱۸. سرایی، ح. (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. ماهنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۲، ۶۰-۳۷.
۱۹. سفیری، خ.، آراسته، ر.، و موسوی، م. (۱۳۸۹). تبیین رابطه میزان سرمایه‌های فرهنگی زنان شاغل با نوع روابط همسران در خانواده. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۲۸، ۳۰-۷.
۲۰. سگالن، م. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده (ح. الیاس، مترجم). تهران: نشر آرام.
۲۱. عظیمی رستا، م.، و عابدزاد نوبریان، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. ماهنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۳(۱۰)، ۴۶-۳۱.
۲۲. گیدنز، آ. (۱۳۸۲). چشم انداز خانواده (م. ر. جلایی‌پور، مترجم). ماهنامه بازتاب اندیشه، ۴۴، ۲۱-۱۳.
۲۳. مک‌گراو، ف. (۱۳۸۸). خانواده موفق (م. شریعت باقری، مترجم). تهران: انتشارات دانژه.

۲۴. مک‌گراو، ف. (۱۳۹۱). چگونه رابطه زناشویی خود را نجات دهید (غ. خانقایی، مترجم). تهران: نشر نسل نو اندیش.

۲۵. میشل، ا. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

26. Alesina, A., Giuliano, P. (2010). The power of the family. *Journal Econ Growth*, 15, 93- 125.
27. Asoodeh, M. H., Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M. (2010). Factors of successful marriage: Account from self-described happy couples. *Social and Behavioral Sciences*, 5, 2042- 2046.
28. Asoodeh, M. H., Khalili, S., Daneshpour, M., Lavasani, M., Abuali Shabani, M., & Dadras, I. (2011). Iranian successful family functioning: Communication. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 367- 371.
29. Gottman, J. M. (1993). The roles of conflict engagement, escalation, and avoidance in marital interaction: A longitudinal view of five types of couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 61(1), 6-15.
30. Gottman, J. M. (1994). *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
31. Hakraborty, I., Holter, H. A., & Stepanchuk, S. (2015). Marriage stability, taxation and aggregate labor supply in the u.s. v.s Europe. *Journal of Monetary Economics*, 72, 1- 20.
32. Olson, D. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22, 144-167.
33. Peterson, R. (2009). Families first: Keys to successful family functioning. *Communication*, 14(46), 1-4.
34. Walsh, F. (2015). *Strengtning family resilience* (3rd ed.). Newyork, London: the Gulifor Press.
35. Walsh, F. (2016). *Normal family processes* (3rd ed.). New York: The Guliford Press.